

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت گزارشگران

۰۶ نومبر ۲۰۱۷

مصاحبه های گزارشگران
درباره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان

مصاحبه با چنگیز قبادی فر



چنگیز قبادی فر از فعالان با سابقه چریکهای فدائی خلق ایران است. با او مصاحبه داریم

گزارشگران: با درود به شما!

چنگیز قبادی فر: با درود متقابل و تشکر از این فرصت برای مصاحبه.

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رأی داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیاناً دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق به طور کلی اما برگزاری این فرآیند را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آن را چگونه ارزیابی کردید؟

چنگیز قبادی فر: ما همواره به حق مسلم خلق کرد برای تعیین سرنوشت خویش تأکید کرده ایم. نیازی به یادآوری نیست که ما در شرایط پس از قیام بهمن که خلق کرد مورد یورش وحشیانه جمهوری اسلامی قرار گرفته بود و خمینی مزدور علیه این خلق رزمنده فرمان جهاد داده بود در شرایطی که نیروهای سیاسی مختلف در توهم نسبت به رژیم جمهوری اسلامی به سر می بردند، با همه توان خود در کنار خلق کرد جنگیدیم؛ و کلاً در آن دوره که خلق کرد خواهان خودمختاری به عنوان شکلی از تحقق حق تعیین سرنوشت بود ما به صورت فعال در این جنبش شرکت داشتیم.

امروز نیز ما همچنان بر این امر که خلق کرد حق دارد به دست خود سرنوشت خودش را تعیین بکند تأکید می‌کنیم. در این زمینه ما خطوط اساسی نظرات خود چه در مورد خلق کرد و چه به طور کلی در رابطه با دیگر خلقهای ایران را در جزوه ای مطرح کرده ایم. در آنجا توضیح داده ایم که خلق کرد و هر خلق دیگر تنها در یک شرایط آزاد و دموکراتیک قادرند به طور آزادانه و در واقع با اشراف به همه جوانب مسأله، سرنوشت خود را به دست خود تعیین کنند.

با این توضیح، اگر به اوضاع کردستان عراق در مقطع پیش از اعلام همه پرسی نگاه کنیم فوراً متوجه فقدان شرایط آزاد و دموکراتیک یعنی این شرط اساسی برای تحقق حق تعیین سرنوشت می‌شویم. ما با تکیه بر ماهیت بورژوائی دولت اقلیم که این فراندوم را برگزار می‌کرد تأکید کردیم که با انجام آن فراندوم، خلق کرد عراق هرگز قادر به تحقق خواست خود نخواهد بود.

سازمان دهندگان فراندوم یعنی دولت اقلیم و احزاب حاکم در کردستان عراق که حداقل بیش از ۱۳ سال است قدرت را در اقلیم کردستان در دست دارند، زیر نام حکومت کرد و دولت اقلیم نه تنها گرهی از دردهای بیشمار اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مردم کردستان پس از اشغال عراق توسط امریکا و پایان استیلای حکومت حزب بعث را نگشوده اند، بلکه با به وجود آوردن یک مافیای اقتصادی-سیاسی که با نیروی نظامی حمایت می‌گردد هر گونه امکانات و منابع و فرصت های به وجود آمده در اثر تغییرات سیاسی بزرگ منطقه از دهه ۹۰ به این سو که می‌توانست تحت یک حاکمیت ملی و مردمی به نفع مردم کردستان از آنها استفاده شود را در انحصار خود گرفته اند. در اثر همین شرایط است که گسترش فقر و گرانی و تورم و سیاست "ریاضت اقتصادی" نظیر تصمیم دولت برای عدم پرداخت سه چهارم حقوق کارمندان دولت تا زمان "شکوفائی" دوباره اقتصاد، از سوی حاکمینی که خود و خانواده هایشان تا خرخره در ثروت غرق شده اند خشم مردم را برانگیخته و منجر به تظاهرات های توده نی متعددی در شهرهای کردستان شده که یکی از وسیعترین امواج آن را در مهر ماه [میزان] سال گذشته در شهرهای سلیمانیه و اربیل و ... شاهد بودیم. حکومت اقلیم می‌کوشد دلیل تمام مشکلات گریبانگیر اقلیم کردستان را بر گردن حکومت مرکزی مزدور عراق ببندازد ولی این همه واقعیت نیست. در سالهای متمادی میلیاردها دالر به کردستان عراق سرازیر شده ولی از آنجا که حکومت اقلیم، نه حکومت کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کرد بلکه حکومت خدمت گزار سرمایه داران بود در مصرف و حیف و میل این میلیاردها دالر کار را به جایی رساند که اعلام کرد که با یک بدهی ۲۸ میلیارد دالری به شرکت های نفتی و پیمانکاران خارجی و ... روبه رو است و بعد به بهانه مدیریت این بدهی، در روند کار، کردستان را زیر نام "همکاری" با نهادهای پولی بین المللی به دست مؤسسات مالی امپریالیستی همچون بانک جهانی و شرکاء کشانده انداخته است. مسلم است که این نوع مدیریت اقتصادی، روبنای سیاسی متناسب خود که همانا دیکتاتوری عنان گسیخته است و دستگاه خود ساخته بارزانی و شرکاء معرف آنست را ایجاب می‌کند.

از این رو بود که در تظاهرات سراسری مهرماه یکی از بزرگترین خواستهای مردم آگاه کردستان عراق، تغییر سیستم سیاسی در خود کردستان، شفاف سازی در مورد درآمدهای نفتی و اقتصادی حکومت اقلیم و مبارزه با فساد ساختاری، خاتمه سیاست ریاضت اقتصادی و بالاخره مخالفت آشکار با دیکتاتوری عنان گسیخته بارزانی و شرکاء بود.

حکومت اقلیم در شرایطی این فراندوم را عملی کرد که بارزانی دو سال بود که دوران ریاستش در دولت اقلیم کردستان تمام شده بود اما هیچ وقت حاضر نشد که قدرت را رها کند. وی همچنین در دوسال گذشته درب پارلمان کردستان را هم تخته کرده است و حتی وقتی برخی از احزاب کردستان پیشنهاد دادند مسأله فراندوم به عنوان یک مسأله ملی از کانال پارلمان طرح و پیش رود او مخالفت کرد. جالب است که تحت ریاست وی تنها در رورهای نزدیک

به برگزاری referendum پارلمان جلسه ای برای دادن اعلامیه در حمایت از این referendum برگزار کرد. جلسه ای کاملاً نمایشی. آیا در چنین شرایطی می توان از امکان بروز آزادانه اراده مردم کردستان در تعیین سرنوشت خویش سخن گفت؟ طرح referendum در چنین شرایطی عنوان شد. به همین خاطر هم در فقدان یک شرایط دموکراتیک، مخالفان آن نتوانستند نظرات خود را مطرح و وسیعاً در بین مردم تبلیغ کنند و با بررسی همه جانبه موضع و آگاه ساختن مردم به آنها امکان دهند که با شنیدن نظرات مخالف و موافق و بررسی آنها تصمیم درستی در این مورد بگیرند و رأیشان واقعاً مبین نظر تعمق شده آنها باشد. به این خاطر است که رفع ستم ملی بدون شرایط آزاد و دموکراتیک ممکن نیست.

از سوی دیگر، ما در عصری زندگی می کنیم که توده ها از رفع ستم ملی در درجه اول نان و کار یا به عبارت دیگر بهبود شرایط زندگی خود و شرایط آزاد و دموکراتیک را توقع دارند. در حالی که حکومت اقلیم در طی ۱۳ سال اخیر نشان داده که قادر به پاسخگویی به هیچ یک از خواسته های توده ها نبوده و نیست.

من بر این باورم که دست اندرکاران این همه پرسى در واقع از اصل حق تعیین سرنوشت سوءاستفاده تبلیغاتی کردند. چریکهای فدائی خلق در مقطع پیش از برگزاری referendum و در شرایطی که طیف بسیار بزرگ و متنوعی از روشنفکران و نیروهای سیاسی با در غلتیدن به تنگ نظرانه ترین مواضع ناسیونالیستی و دنباله روی از تبلیغات حکومت اقلیم با تحلیل های غیر واقعی و بدون کوچکترین دور بینی ستراتیژیک در مورد منافع توده ها، برای این referendum هورا می کشیدند و آن را گامی به جلو برای مبارزات مردم کردستان قلمداد می کردند، در اطلاعیه خود گفتند: "آیا referendum و اعلام استقلال کردستان حیاتی ترین و اصلی ترین خواست مردم کرد را تأمین کرده و برای آن ها رفاهی حداقل نسبی و شرایط دموکراتیک تضمین شده به وجود خواهد آورد؟ خود مدعیان برگزاری referendum چنین ادعایی ندارند و در این مورد حتی وعده دروغین نیز به مردم کرد "اقلیم کردستان" نمی دهند. نگاهی هر چند اجمالی به عملکردهای دولت حاکم بر کردستان عراق و این برگزار کننده همه پرسى در جهت ایجاد کشور کردستان، نیز به خوبی نشان می دهد که آن چه در این referendum به هیچ وجه مطرح نیست و نمی تواند مطرح باشد، از بین بردن فقر و فلاکت در "کشور کردستان" و تأمین رفاهی نسبی برای مردم و همراه با آن پایان دادن به فعال مایشانی و استبداد و برقراری دموکراسی و آزادی های دموکراتیک در جامعه می باشد. ... مسلم است که توده های تحت ستم اقلیم کردستان اگر از آزادی اجتماعات، آزادی تشکل و آزادی بیان برخوردار بودند، اولین موضوعی که در مقابل روشنفکران غرق در ناسیونالیسم می گذاشتند این بود که کشور کردستان کدام یک از دردهای آنان را درمان خواهد کرد و به کدام ستم از ستم های طاقت فرسایی که به آن ها وارد می شود پایان خواهد داد؟ با تشکیل کشور کردستان آیا قرار است سیستم اقتصادی فاسد و مناسبات ارتجاعی کنونی که حاکمان کردستان عراق ۱۳ سال است از آن پاسداری می کنند به طور اساسی به نفع توده های رنج دیده کرد تغییر یابد و یا دستگاه امنیتی - سرکوبگر "آسایش" از بین رفته و شرایط رعب و وحشت و اختناق حاکم از اقلیم کردستان رخت بپوشند؟ و موضوع مهم دیگر آن که آیا بازرانی با علم کردن پرچم کشور کردستان قصد ندارد طرحی از طرح های امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلق کرد و دیگر خلق های رنج دیده خاورمیانه را متحقق سازد و وضع دردناک کنونی کردهای تحت ستم "اقلیم" را از آن چه که امروز هست نیز دردناک تر سازد؟ اما برای روشنفکران ناسیونالیست موضوع به این شکل واقعی یا به عبارت دیگر از زاویه منافع توده های تحت ستم مطرح نیست." (از اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران در مورد referendum در کردستان عراق، مؤرخ ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۷)

به نظر من سیر رویدادها به نحو برجسته ای بر درستی این موضع گیری مهر تأیید زد و با وجود تمام اتهامات و فشارهای وارد شده بر منتقدین referendum نشان داد که معتقدین واقعی به اصل حق ملل در تعیین سرنوشت مردم کردستان

عراق، درست می‌گفتند که در فقدان شرایط دموکراتیک، تأیید این رفراندوم در واقع تأیید مقاصد استثمارگرانه و فرصت طلبانه دشمنان واقعی خلق کرد در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد و در هیچ شرایطی نباید اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را به بازی گرفت.

گزارشگران: در برابر این پروژه (همه‌پرسی) صفتبندی‌های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوختی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت‌هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی می‌گویند فلسفه این همه‌پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه می‌بینید؟

چنگیز قبادی فر: این صف بندی‌ها از پیش از اعلام رفراندوم مطرح بودند و امر جدیدی نیستند. دولت‌های مزبور بارها رسماً اعلام کرده بودند که مخالف این همه‌پرسی هستند و کشور کردستان مستقل را بر نمی‌تابند. حتی برخی از قدرتهای بزرگ هم مدعی شدند که خواهان عدم برگزاری این همه‌پرسی هستند. در اینجا به نکته مهمی باید اشاره کنم. مسأله بارزانی و حکومت اقلیم اساساً متحقق کردن حق تعیین سرنوشت مردم کرد نبود. در مقطع اعلام رفراندوم بارزانی و حکومت اقلیمش با یک بحران همه‌جانبه و عدم مشروعیت توده‌ئی مواجه بودند. این رفراندوم تلاشی برای منحرف کردن اذهان مردم کردستان از مسایل و معضلات اساسی و بازی با کارت استقلال برای پیشبرد اهداف بسیار سودجویانه و تنگ نظرانه تری بود که همانطور که سیر وقایع نشان داد به یک فاجعه ختم شد و دست و پای طراحان این سیاست و دنباله‌روانش را در پوست گردو قرار داد و رسوا نمود؛ و در عین حال در عمل ضربه بسیار بزرگی به خواست خلق کرد برای تعیین سرنوشت خویش زد. احزاب حاکم و وابستگانشان زیر پرچم بارزانی به خط شدند چرا که طراحان این رفراندوم با سازمان دادن یک تبلیغات گسترده و با تلاش جهت انحراف اذهان عمومی در کردستان از مصایب واقعی دست ساز حکومت اقلیم، فکر می‌کردند با دست‌گذاشتن روی خواست مردم برای استقلال آنها را به میدان کشیده و سپس با نمایش مشروعیت وسیع خواست "استقلال" واقعی در کردستان و سوء استفاده از رأی توده‌ها می‌توانند به کاسبکاری و چانه‌زدن با دولت مرکزی جنایت پیشه عراق زیر حمایت امریکا بپردازند و نهایتاً نیز همانطور که خودشان گفته‌اند امتیازات بیشتری برای مافیای قدرت حاکم بر اقلیم کسب کنند؛ بارزانی که دست دولت اسرائیل را در پشت سر خود می‌دید، فکر می‌کرد با پایان همه‌پرسی به عنوان قهرمان و ناجی توده‌ها معرفی می‌شود و احتمالاً حکومت مادام‌العمری خود را نیز حفظ خواهد کرد بدون این‌که واقعی به خواست واقعی توده‌هایی بگذارد که از شعار استقلال از حکومت مرکزی، آزادی از قید دیکتاتوری، یک زندگی و آینده بهتر و عاری از فساد و وابستگی را تعقیب کرده و می‌کنند.

واقعیت این است که صف بندی‌های نامبرده و به قول شما اتحاد مثلث علیه اعلام استقلال کردستان عراق پس از انجام پروژه رفراندوم به سرعت تقویت شد و اقدامات همزمان مشترک توسط رژیم‌های مردم ستیز جمهوری اسلامی و ترکیه و عراق، از بستن مرزها و لشکرکشی‌های نظامی در اطراف خاک کردستان گرفته تا توقف پروازها به فرودگاه‌های شهرهای کردستان قاطعیت و اتحاد این دولت‌های وابسته و مردم ستیز را با روشنی بیشتری به نمایش گذارد. اما نفس این مخالفت‌ها و اقدامات با توجه به ماهیت رژیم‌های نامبرده به هیچ‌رو غیر قابل پیش‌بینی نبود. حتی عقب افتاده‌ترین سیاستمداران منطقه نیز نمی‌توانستند متصور شوند که جمهوری اسلامی که دست‌انداختن تا مرفق به خون خلق کرد ایران و منطقه آغشته است، رژیم اردوختی که جنایاتش در یکی دو سال اخیر علیه خلق کرد ترکیه و عراق زبانزد همگان است و دولت مزدور و تبهکار حیدرعبادی در شرایط اعلام مخالفت ارباب بزرگ بین‌المللی‌شان یعنی امریکا

با همه پرسى، با وجود تمامى اختلافات تاکتیکی و منطقه ای شان هیچ یک، ذره ای انعطاف و گذشت در مورد همه پرسى برای استقلال کردستان و جدائی آن به خرج دهند.

سیر رویدادها به روشنی ثابت کرد که هر نیتی که برگزارکنندگان این همه پرسى داشتند یک امر، انکار نشدنی است؛ برگزاری فراندوم فریبکارانه ای که توسط بارزانی و شرکاء زیر نام حق ملت کرد برای جدائی برگزار شد، زیر سیاستها و رهبری احزاب حاکم در اقلیم تنها به بحران وحشتناک و ناامنی و تنش هادر منطقه دامن زد و خواهد زد، آنهم در شرایطی که برگزارکنندگان این همه پرسى با رسوائی تمام در حال متهم کردن یکدیگر به خیانت به کردستان برای فریب توده ها هستند. فراندوم برگزار شده در کردستان عراق و رفتار و سیاستهای حکومت داران اقلیم نشان داد که برای تحقق رهائی ملی و استقلال واقعی خلق کرد، احزاب حاکم و کسانی که این فراندوم را برگزار کردند، خود یکی از موانع اصلی جنبش توده ها و خواست های آنان برای حل معضل حق تعیین سرنوشت شان هستند و نه راه حل آن.

گزارشگران: شهر نفتخیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و قسماً کنترل می شد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آن را خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

چنگیز قبادی فر: به نظر می رسد با توجه به سیر رویدادها و اظهار نظرها و دعوایی که به ویژه پس از سقوط کرکوک و در واقع سقوط ۵۰ درصد از اراضی تحت کنترل نیروهای دولت اقلیم در مقطع فراندوم بین رهبران احزاب حاکم در کردستان در جریان است اکنون شواهد به اندازه کافی وجود دارد که نشان می دهد چگونه رهبران اقلیم پس از به بازی گرفتن حق رأی و اراده مردم کردستان که مطابق ادعاهای آنها ۹۲ درصدشان در همه پرسى به "استقلال" کردستان از حکومت مرکزی رأی دادند، پرچم تسلیم را از همان ابتداء بلند کرده بودند و با دشمنان قسم خورده خلق کرد از جمله دولت مزدور حیدر عبادی و نمایندگان رژیم کرد ستیز جمهوری اسلامی به منظور تسلیم اراضی تحت کنترل شان در کرکوک و ... و به تیغ دشمن سپاردن مردم کردستان توافق کرده بودند. نه تنها تجربه محدود رویدادهای پس از فراندوم بلکه سابقه چشمگیر احزاب حاکم بر اقلیم نشان می دهد که تنها چیزی که برای این باند مافیائی در قدرت مهم نیست جان و مال و زندگی و حیات توده های تحت ستم خلق کرد در معادلات سیاسی ست که دولتمداران اقلیم به آنها وارد شده و خواهند شد. مردم کردستان فراموش نکرده اند که چگونه با سقوط موصل و فرار نیروهای نظامی اقلیم - در پی فرار ارتش ضد خلق عراق - حاکمان اقلیم، مردم ستمدیده کرد و عرب این منطقه را در چنگال سلاخان داعشی رها کردند و قتل های عام توصیف ناپذیر مردم را موجب شدند. هنوز فراموش نشده که چگونه نیروهای تحت فرمان قیاده موقت یعنی دارو دسته بارزانی با فرار و عقب نشینی از شنگال، بخشی از محرومترین و رنجدیده ترین اقشار ملت کرد یعنی ایزدی ها را در دستان دژخیمان داعشی رها ساخته و با این اقدام امکان چنان جنایاتی را در حق کردهای ایزدی و زنان و کودکان مهیا نمودند که در تاریخ معاصر کردها کم نظیر است. امروز نیز با نگاهی به آنچه در کرکوک گذشت روشن است که دولت اقلیم نه آمادگی و نه قصد دفاع از کرکوک را داشت. با این که یورش ارتش عراق از ورای عربده های حیدر عبادی در بغداد که با چراغ سبز امریکا فریاد "دفن" کردن فراندوم را سر می داد کاملاً قابل پیش بینی بود. به رغم همه این ها اما مدعیان همه پرسى و استقلال به دنبال یورش مزدوران

حشد الشعبی و ارتش عراق هیچ گامی جهت ایستادگی بر روی ادعاهایشان در دفاع از حقوق حقه "ملت کرد" برنداشتند. امروز نیز باید تأکید کرد که حمله به کرکوک نه پایانی بر ماجرای رفراندوم استقلال، بلکه آغاز روند جدید و سیاست‌هایی می باشد که بزرگترین قدرت نظامی حاکم بر این منطقه یعنی امپریالیسم امریکا با کمک رژیمها و دار و دسته های وابسته به خود از جمهوری اسلامی و ترکیه گرفته تا عراق و عربستان در شرایط پسا داعش مشغول آرایش نیروهایش به منظور پیشبرد آن می باشد. احزاب حاکم بر اقلیم همانطور که در طول ۱۳ سال گذشته پس از کسب قدرت سیاسی در اقلیم نشان داده اند هیچ دغدغه ای جز هماهنگ شدن با سیاست‌های کلان سرمایه داران جهانی در این منطقه و ماشین جنگی آنها ندارند. در نتیجه هزیمت و فروختن کرکوک و سنگال و ... و از آنها مهمتر توافق بر سر جان و مال مردم کردستان در این مناطق به دشمنان این خلق، هیچ ربطی به "پیشگیری از کشتار" مردم کرد نداشت. بلکه این فرار زمینه انتقام شدیدتر حکومت مرکزی از کردها در این مناطق و تحقیر هر چه بیشتر آنان را تضمین نمود. با اطمینان می توان گفت که رویدادهای آینده نیز با روشنی بیشتری ماهیت دست اندرکاران دولت اقلیم به مثابه آلت دست قدرت های بزرگ و نه مدافعین مردم کرد را در جریان بحران جاری در مقابل چشم همگان قرار خواهد داد.

گزارشگران: نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را به زیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا به نظر شما کرکوک آبستن بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

چنگیز قبادی فر: با دست به دست شدن کرکوک، به طور سمبلیک مانند هر جنگی فاتحین، پرچم های قدیمی را پائین کشیده شد و پرچم های دولت مرکزی عراق را به اهتزاز در آورده اند. اما جابه جایی این پرچمها نه تنها موجب تأمین امنیت و صلحی که توده های تحت ستم کرد و ترکمن و عرب ساکن کرکوک خواستار آن هستند نمی باشد بلکه با توجه به ماهیت ضد خلقی نیروهای مزدور حشد الشعبی و ارتش امریکا ساخته عراق اهتزاز آن پرچمها خبر از جنایات علیه توده های ساکن این شهر می دهد. همچنان که خبرها حاکی از آن است که با ورود نیروهای مدافع دولت به کرکوک، از همان اولین روز، آزار و اذیت و شکنجه ساکنین کرکوک و به ویژه آنهایی که در رفراندوم شرکت و به استقلال از دولت مرکزی رأی داده اند محله به محله شروع شده و به رغم اعلامیه های رسمی دولت عراق و "هشدارهای" ریاکارانه امریکا صحنه های بسیار دلخراشی از شکنجه و کشتن مردم توسط حشد الشعبی مزدور جمهوری اسلامی و ارتش عراق که با وقاحتی فراتر از مزدوران داعش جنایات خود (از جمله چاقو زدن تا حد مرگ به قربانیان اسیر شان) را نمایش می دهند در فضای مجازی پخش شده است. همین جنایات علاوه بر تمام تضادهای دیگر نشان می دهند که کردستان و از جمله کرکوک آبستن تنش های بزرگتری ست چرا که با توجه به ماهیت دولت عراق شک نباید داشت که ورود او به هر منطقه و استقرار آن با سرکوب مردم کرد و همچنین سایر توده های تحت ستم که خواهان حق تعیین سرنوشت، آزادی و نان و کار و رفاه خویش می باشند همراه خواهد بود.

از سوی دیگر موقعیت بسیار پیچیده و ستراتیژیک کرکوک چه به خاطر وجود منابع انرژی اش و چه ترکیب قومی اش باعث می گردد که اشغال نظامی آن توسط این یا آن نیرو تا زمانی که تضادهای اصلی پاسخ نگیرند به مثابه پایان منازعات در آن نباشد. به ویژه آن که باید در نظر داشته باشیم که مسأله کرکوک چه از زمان جنگ اول خلیج فارس و به وجود آمدن منطقه خودمختار کردستان زیر قدرت آتش ارتش امریکا و چه پس از سرنگونی رژیم صدام و اعلام حکومت اقلیم یک موضوع مناقشه در بین حکومت مرکزی و اقلیم بوده و حتی ترکیه بارها مدعی حق و حقوق ترکمن های کرکوک که آنها را وابسته به خود می داند در این شهر شده است. این مجموعه باعث می شود تا صرف دست به

دست شدن کرکوک پایان و حل مناقشه نباشد. این عوامل باعث می شوند که آینده کرکوک به عنوان یک منطقه دارای منابع اقتصادی عظیم در شرایط بحرانی فعلی به یکی از موضوعات تشدید کننده بحران تبدیل گردد. اما در میان این بحران، نکته مثبت، مقاومت مردم کرکوک در مقابل دشمنانشان می باشد. بر اساس اخبار انتشار یافته مردم کرکوک از هم اکنون در مقابل جنایات نیروهای نظامی به تظاهرات پرداخته و حتی در برخی جاها به مقاومت نظامی مستقل دست زده اند.

گزارشگران: گفته می شود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

چنگیز قبادی فر: واقعیت این است که اطلاعات همه ما در این زمینه منوط می شود به آنچه خبرگزاری ها پخش کرده اند و آنچه که در روزهای اخیر در نتیجه فوران خشم و نارضایتی مردم و تشدید تضاد های بین احزاب حاکم در کردستان عراق انتشار یافته اند. اما باید دانست که اگر اتحادیه میهنی در کرکوک نجنگید نیرو های بارزانی هم در شنگال به همین شکل عمل کردند. در نتیجه در حالی که نباید وارد اتهام زنی هائی از این نوع بعد از شکست شد که بی ارزش هستند، اما آنچه که می توان قطعاً در مورد آن اظهار نظر کرد این است که هر دوی این احزاب فاسد در سازش با دشمنان رنگارنگ مردم کرد که امپریالیسم امریکا در رأسشان قرار دارد پیشاپیش پرچم سفید بلند کرده بودند. در نتیجه طبیعی است که به دنبال یورش ارتش عراق و حشد الشعبی بخش بزرگی از نیروهای اتحادیه میهنی بدون مقاومت دست به فرار بزنند و کرکوک را تسلیم حشد الشعبی کنند یا پارت دموکرات بارزانی نیز شنگال را تخلیه و رأی دهندگان خواهان استقلال را در معرض تیغ نیروهای مزدور حکومت مرکزی قرار دهد. نکته دیگری که در این تحولات باید مورد توجه نیروهای مبارز و آگاه قرار گیرد نقش کثیف جمهوری اسلامی در پیشبرد پروژه ای است که با چراغ سبز دولت امریکا و میداننداری ارتش امریکا ساخته حکومت مرکزی عراق به پیش رفت و دست دولت حیدر عبادی را در اشغال کم در دسر کرکوک و حدود نیمی از اراضی تحت کنترل نیروهای نظامی دولت اقلیم باز گذارد.

گزارشگران: نقش و جایگاه کشورهایمانند امریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

چنگیز قبادی فر: در این رابطه شواهدی وجود دارند که نشان می دهند محافلی در میان طبقه حاکم در امریکا چه در زمان اشغال عراق و گماردن پل برمر به عنوان "حاکم عراق" و چه در تحولات بعد از آن خط تجزیه عراق و تغییر نقشه جغرافیائی منطقه را تعقیب کرده اند. در نتیجه این محافل همیشه مستقیم و غیر مستقیم با خط استقلال کردستان – البته کردستانی که در چنگال ارتش ضد خلقی و شرکتهای امریکائی ست- همراهی نشان می دادند. به نظر من حمایت پیگیرانه دولت ضد مردمی اسرائیل از فراندوم کردستان و تبلیغ برای جدا شدن کردستان نیز در پیوند تنگاتنگ با چنین سیاست و محافلی در هیأت حاکمه امریکا قرار دارد. اما واقعیت این است که سیاست رسمی دولت امریکا و به اعتبار این عبارت، خط غالب این دولت در این منطقه در دوره های متفاوت بعد از اشغال عراق حفظ تمامیت ارضی عراق بوده است، تا آنجا که در جریان رویدادهای اخیر مقامات امریکائی باز هم بر آن تأکید کردند. در عمل نیز امریکا رسماً مخالفت خود را با برگزاری فراندوم اعلام کرد و بعد از همه پرسسی نیز رسماً از "بی طرفی" (به معنی چراغ سبز) خود در حمله ارتش امریکا ساخته عراق به مناطق کردها (البته تا مواضع سال ۲۰۰۳) سخن گفت. همین امر نشان دهنده آن است که دولت امریکا در عین حال که در لحظه حاضر خواهان تجزیه عراق و جدائی کردستان از آن نیست ولی تماماً به هر اقدامی جهت حفظ شرایط بحرانی در این منطقه دست می زند، چه با گسیل داعش و سپس

درگیر کردن ائتلاف بزرگی از تمام نیروهای منطقه در جنگ با آن یا به اصطلاح خلافت اسلامی و چه هم اکنون که عملاً با به صدا در آمدن زنگ پایان داعش و آزاد شدن خاک عراق از لوٹ وجود مزدوران داعش سریعاً با پیام ها و چراغ های سبز و به طور کلی با پیشبرد سیاستهای خویش، آتش یک بحران بزرگتر پسا داعش را شعله ور نموده است. امروز نیز اگر خوب دقت کنیم تمام نیروهای موجود در این منطقه از احزاب حاکم بر اقلیم گرفته تا ارتش مرکزی عراق و نیروهای شیعه حشد الشعبی و سپاه قدس جمهوری اسلامی و ارتش ترکیه و ... به رغم تمامی "اختلاف نظرها" و نقش های ظاهراً متفاوتی که بر عهده گرفته اند نهایتاً در بساطی به بازی مشغولند که اساساً در خدمت پیشبرد هسته مرکزی سیاست امپریالیسم امریکا در این منطقه یعنی داغ ننگ داشتن تنور بحران و تنش برای رونق دادن به تجارت جنگ، تداوم حضور مستقیم نیروهای امریکائی، فروش وقفه ناپذیر سلاح در منطقه و تبدیل روزافزون این منطقه به یک انبار باروت علیه تمامی خلق های تحت ستم منطقه پهن شده است.

گزارشگران: آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش می تواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه می بینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتاری دیگر از طریق مذاکره را می دهد؟

چنگیز قبادی فر: این که "وضعیت جدید پس از همه پرسی" در واقع هیچ "کمکی" به "حل بحران منطقه" نمی کند واقعیتی انکار ناپذیر است. باید اضافه کنم که در واقع وضعیت جدید در خدمت تشدید بحران می باشد. مردم کردستان هم اکنون با گوشت و پوست این واقعیت را درک کرده و نگران چگونگی روند رویدادها و چگونگی فرجام این بحران هستند. اما اجازه بدهید در یافتن علت این امر کمی کنکاش کنیم. به نظر من علت این امر، تنها استفادۀ احتمالی داعش از "فضای ایجاد شده" نیست. این که داعش می تواند از فضا هائی که در بحران اخیر پس از فراندوم ایجاد شده سود جوید شکی نیست. اما باید دانست که ریشه بحران موجود در منطقه عاملی بسیار بزرگتر از داعش یعنی سیاستهای امپریالیستی ست که این جریان سیا ساخته تنها یکی از جلوه های بسیار وحشتناک و ضدخلقی- آن می باشد. این واقعیتی ست که با تسخیر موصل و رقه زنگ پایان حیات داعش به مثابۀ "دولت اسلامی" صاحب سرزمین و یک نوع قدرت دولتی زده شده است. این که در آینده چه نقش هائی به داعش داده خواهد شد موضوع دیگری است. اما با نگاهی به سیاست ستراتیژیک "جنگ بی پایان" که همچنان در صدر اولویت های دولت امریکاست ما می بینیم که امریکا به گونه ای بی وقفه در سراسر جهان و به ویژه در خاورمیانه دست اندرکار ایجاد کانون های جدید بحران و تنش بوده و هنوز درد ها و آلام بی شمار یک بحران و جنگ التیام نیافته سریعاً آتش بحران و جنگ دیگری را برافروخته می کند. چرا که امریکا از این کانال یعنی جنگ افروزی و گسترش میلیتاریسم به کار توسعه قدرت و مواضع خویش از یک طرف در مقابل خلق های تحت ستم و مقابله با انقلابات آنان می پردازد و از طرف دیگر در مقابل رقبای امپریالیستش مشغول می باشد. این سیاست ضد مردمی و قدرت هدایت گر آن، ریشه اصلی بحران و جنگ افروزی در منطقه می باشد که علاوه بر حضور نظامی مستقیم، روزی خود را در لباس طالبان و القاعده و در دوره ای دیگر در لباس داعش مزدور نشان می دهد. اگر ما در تضادهای متنوعی که در این منطقه پر تنش و آشوب در جریان است دقت کنیم و تضاد اصلی یعنی سلطۀ امپریالیسم و منافع جنگ سالاران جهانی با خلقهای منطقه را تشخیص داده و تعقیب کنیم آنگاه می فهمیم چه کسانی و در خدمت به چه سیاست های ضد انقلابی نانشان را در تنور بحران و تنش افروزی می پزند. اینها قدرت هائی به جز بزرگترین انحصارات نظامی امپریالیستی و نمایندگان سیاسی آنها نیستند که اگر ظواهر رویدادهای اخیر را کنار زده و خود را اسیر اظهار نظرهای مهره های دست چندم سیاسی در منطقه نکنیم، آنگاه چهره این قدرت

ها به روشنی هویدا می گردد. اینها هستند که بلافاصله با پایان دوره داعش، ایجاد یک تنور تازه برای بحران آفرینی و ایجاد ناامنی را در منطقه سازمان داده اند و تنش های کنونی در کردستان که فعلاً چندین ارتش بزرگ امپریالیسم ساخته و مزدور را در تمام جبهه ها به خط کرده انعکاسی از پیشبرد چنین سیاستی ست. فراندوم اخیر در کردستان توسط بارزانی و شرکاء و تبعات بعد از آن در عمل مواد آتشی لازم برای شعله ور کردن یک آتش خانمانسوز دیگر در تنور بحران را مهیا نمود. در چنین چهارچوبی خطر جنگ های جدید و احتمال درگیری های نظامی در منطقه نه تنها کاهش نمی یابد بلکه هر چه قوی تر می گردد.

گزارشگران: چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفاً مطرح کنید.

چنگیز قبادی فر: رویدادهای اخیر در کردستان عراق که مشخصه آن برگزاری فراندوم "استقلال" و تحولات بزرگ بعد از آن بود به رغم تمام تجربه منفی و روحیه ناامیدنی که رویدادهای مربوط به این فراندوم و نتایج آن در میان نیروهای ناسیونالیست دامن زد حاوی درس های بزرگ و درخشان مبارزاتی برای توده های مبارز منطقه است. اول آن که این رویدادها بروشنی ثابت کردند که شرط اصلی حل مسأله ملی به مفهوم رهائی از قید ستم ملی و نیل به آزادی در شرایط سلطه امپریالیسم وجود شرایط آزاد و دمکراتیکی ست که در آن امکان بروز آزادانه اراده توده ها موجود باشد. در نتیجه ادعای حل مسأله ملی در شرایطی که تشکلهای آزاد مردمی و حق آزادی بیان و دیگر مظاهر دموکراسی وجود نداشته باشد ادعای بی اساسی است که توده های تحت ستم نباید فریفته آن شده و به آن اعتبار بخشند.

دوم و مهمتر آن که در جهان امپریالیستی کنونی، بورژوازی بومی تمامی خصلت های دمکراتیک خود را از دست داده و به علت ادغام در سیستم سرمایه داری جهانی به خدمتگزار و عامل این سیستم گندیده تبدیل شده و در نتیجه فاقد کمترین ظرفیت ملی و دمکراتیک می باشد. بنابر این هیچ نیروئی به غیر از طبقه کارگر که آزادی اش در گرو نابودی نظام سرمایه داری و محو تمامی اشکال استثمار و بهره کشی و ستم می باشد قادر به رهبری جنبش های ملی جویای آزادی از قید ستم ملی و رهائی نبوده و نیست. وظیفه تمامی روشنفکران انقلابی به خصوص در کردستان است که با توضیح این واقعیات و با توجه به انرژی عظیم مبارزاتی خلق کرد، توده های تحت ستم کرد را در مسیر انقلاب و برای ساختن یک رهبری انقلابی در کنار و در اتحاد با سایر خلق های تحت ستم علیه دشمن مشترک یاری دهند.

به عنوان ختم کلام نیز یکبار دیگر از فرصتی که برای این مصاحبه به من دادید، سپاسگزارم.

۲۶ اکتوبر ۲۰۱۷